

نقش و نگارهای ایران

هوشنگ پورکریم

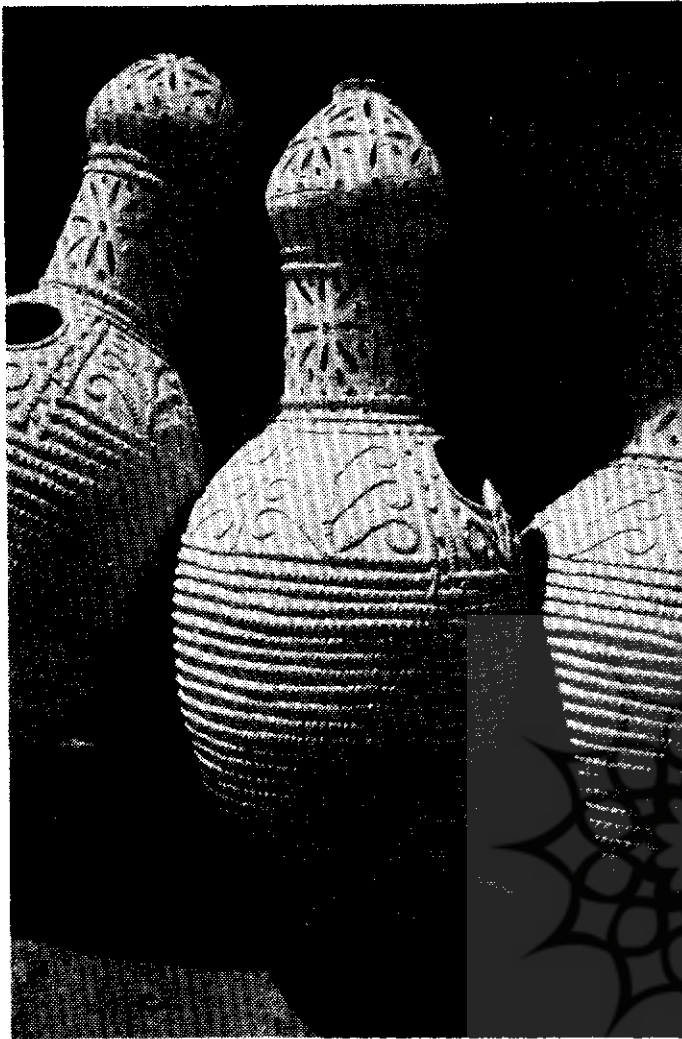
زیر نظر دکتر صادق کیا استاد دانشگاه ، مشاور عالی هنرهای زیبای کشور و رئیس اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه

در سال ۱۳۴۱ از طرف اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه به آقای هوشنگ پورکریم مأموریت داده شد که به تمام آبادیهای شهرستانهای محلات ، کاشان ، اردستان و نایین سفر کند و همه نقشهای محلی آن آبادیها را گردآوری و بررسی نماید و همچنین هر جا که بگوش ناشناخته ، یا مطالب ارزنده‌ای از زندگی مادی و معنوی مردم آن نواحی برخورد کرد برشته یادداشت درآورد . اینک آنچه که در این گفتار ، همراه با عکسها و طرحها از نظر خوانندگان میگذرد خلاصه قسمتی از تحقیقات و کوششهایی است که آقای پورکریم در طی مأموریت خود توانسته است انجام دهد .

یا زیورجامه يك آبادی یا نقش و نگاری برسنگ مزار يك انسان ببینیم ، خودمان را دیده‌ایم و خودمان را شناخته‌ایم . بنا بر آنچه گذشت بی سبب نیست که این نویسنده بررسی نقش و نگارهای ملی ایران را آغاز کرد . پس زودتر بپردازد به آنچه که تا کنون در این راه یافت ، « هنرهای زیبای کشور » در کنار کوششهای دیگر از نقش و نگارهای ملی ایران بی خبر نیست . در موزه هنرهای ملی و موزه‌های مردم‌شناسی و هنرهای تربیتی ، انتشارات هنرهای زیبا ، کارگاههای زری ، قالی و در هنرستانها و . . . همه جا و هر جا به شکلی نقش و نگارهای ملی ایران جلوه می کند . گاهی یا جائی پیش می آید که مثلاً بگویند یا بنویسند : « نقش « بونه جقه » شاید از شکل « سرو » و شاید از « برگ » و یا از « شعله آتش » تقلید و به این شکل ساده شده است » و سخنهای دیگر

گویا تر اینکه هنرهای زیبای کشور از سالها پیش مجله‌ی فریبایی با نام « نقش و نگار » نشر میدهد . برگهای این مجله

هر زمان که از نقش و نگارهای ملی ایران سخنی باشد ، ناگزیر صدها شاهکار هنری کشور را به یاد می آوریم : قالیها ، کاشیکاریها ، گچ بریها ، پرده‌های زری و قلمکار با این یادآوری به کاسه‌های گلی چند هزار سال پیش هم می اندیشیم که برای چند نقش ساده در موزه‌ها نگهداری می شود . یاد می آوریم کسانی را که در راه گردآوری و بررسی این آثار عمری را به زحمت سپری کردند و سازمانهایی که با دلبستگی کتابها و انتشارات یا موزه‌هایی را با این نقش و نگارها آراستند . راستی از چه روی انسانها شیفته این آثارند ؟ در نخستین پاسخ می توان گفت که این شاهکارها بهترین تجلی زندگی انسان است و بنیاد این شیفتگی در آن است که همه این آثار با انسان و با آنچه که بر او گذشت و آنچه که در اندیشه داشت پیوستگی دارد . پس این شاهکارها سزاوار احترام و دلبستگی فراوان است . هنگامی که به آنها می پردازیم ، به خود و به زندگی خود پرداخته‌ایم . اگر کاسه شکسته هزار سال پیش یا کهنه گلیم نقشین فلان کورده

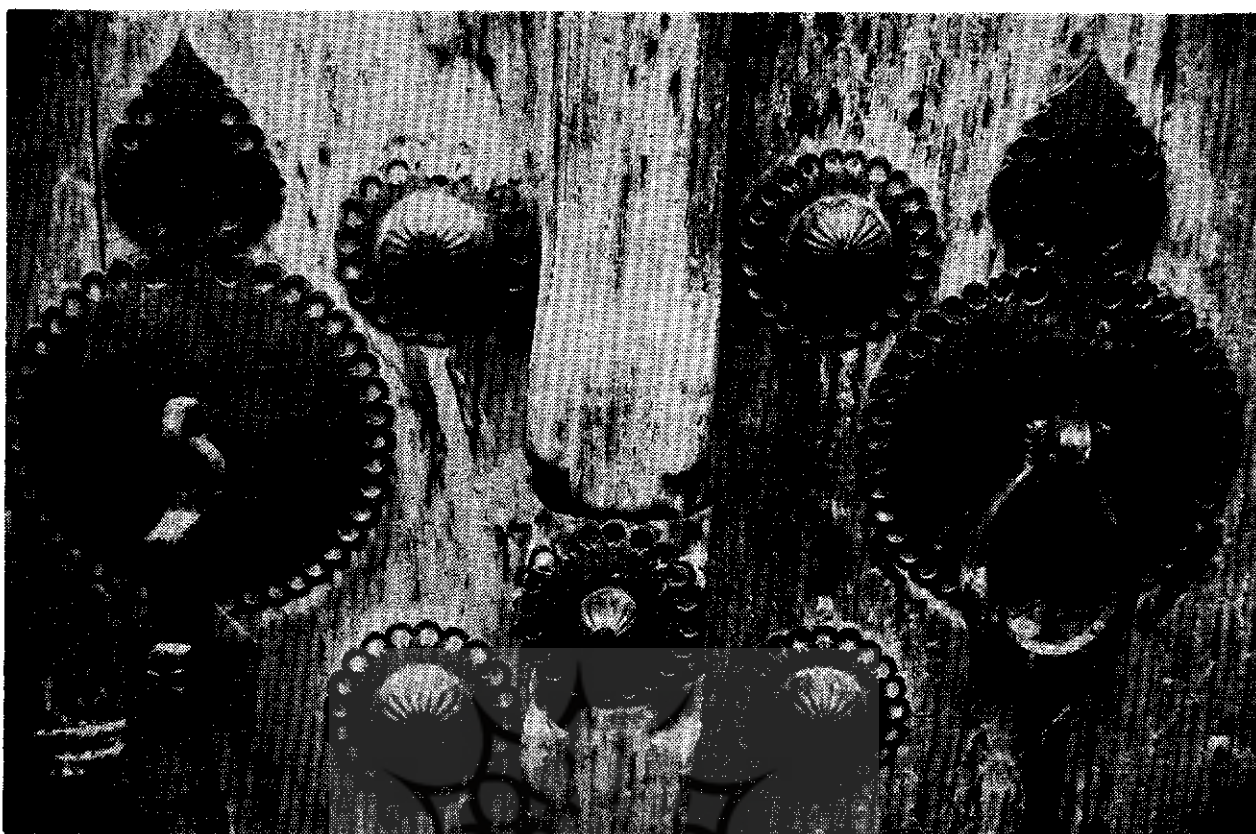


نقشی بر کوزه‌های آب دهکده «بیدگل» کاشان. بلندی این کوزه‌ها بیشتر از یک متر است. آب چنین کوزه‌هایی در تابستان خنک میماند. هر قهوه‌خانه سر راه، یک یا چندتا از این کوزه‌ها را در چهارپایه‌ای قرار میدهد و شیرآبی هم درپای آن کار میگردد تا مسافران خستگی راه را با آب خنک فروشانند

با آنها سروکار داشتند. پس، این نقش‌ونگارها آئینه اندیشه و فرهنگ ودلیستگی‌های توده مردم است آن هم مردمی که هنوز به آداهای شهری و آنچه که به نام تمدن نو در شهرها پذیرفته شده رونکرده‌اند. از سوی دیگر، هرگاه همه نقش‌ونگارهای بخش‌های پراکنده کشور کنار هم گذاشته شود، کمکی خواهد شد برای بهتر شناختن همین مردم. دیگر اینکه گردآوری و بررسی نقش‌ونگارهای ملی ایران می‌تواند کلیدی باشد برای گشایش رمز استعاره‌ها و اشاره‌ها که بویژه در هنر

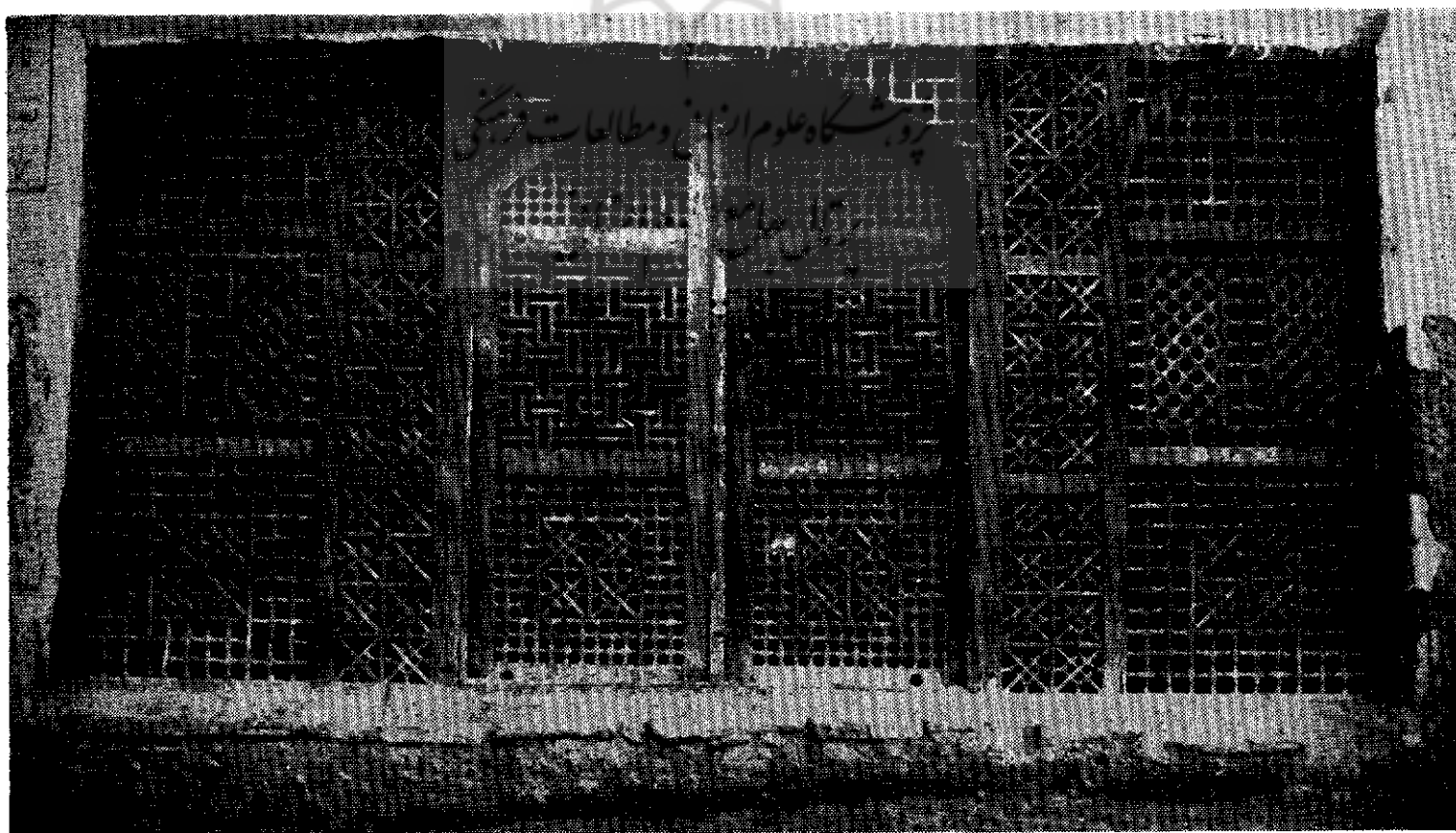
نشان دیگری از هنرهای زیبای کشور است در دل بستگی به نقش‌ونگارهای ملی ایران و آنچه که با این نقش‌ونگارها پیوستگی دارد. با این همه، هر زمان که خواسته شد بررسی‌های اساسی در نقش‌ونگارها انجام گیرد، آشکار گردید که هنوز بخش بزرگی از این آثار گردآوری نشده‌است و آن نقش‌ونگارهای عامیانه‌ای است که در روستاها دیده می‌شود: نقش گلیم، جاجیم، نمد، و نقش‌ونگار قالیچه‌های روستایی، نقش سنگ مزارها، خورجین، جوال، جامه‌ها، کاسه‌ها و کوزه‌ها که در دهکده‌های ما فراوان است. این نقش‌ونگارها بنیاد هنرهای تصویری کشور ماست. از این رو آنچه که اکنون به نام هنر رسمی ملی می‌شناسیم از فرش، کاشی، منبت، خاتم، قلمکار... همه برزمینه‌ی نقش‌ونگارهای روستایی روئیده است. در همین گفتار کوتاه نقش‌هایی می‌بینید که یک چوپان پیر کورده‌ی برجوراب پشمی رنگین و با بر «ساق کش»^۱ نقشین یافته است، و چقدر هم زیبا. یا می‌بینید ساریانهای «خور» و «بیابانک» با پشم شتر بر جل و افسار همان شتر چه نقش‌ونگارهایی یافته‌اند و مردم «اران» «جاسب» چه شاهکارهایی بر سنگ مزارها نقش کرده‌اند. در «گل چشمه» «محلات» عجب گلیمهای خوش‌نقشی یافته‌اند. آن نقش‌ها که می‌یافتند یا بر سنگها کنده‌کاری می‌کنند گواه نیروی آفرینش و نشان ذوق و هنر عامی‌ترین مردم کشور ماست آنها نه کتاب خوانده و نه دانشکده دیده‌اند، بلکه این چنین نقش‌ونگارهایی را از پدران خود آموخته‌اند و بعدها، برخی که مهارت را به کمال رسانده‌اند به شاگردان خود بهره‌ها داده‌اند و به‌جایی رسانیده‌اند که اکنون هنرچویان هنرستانها این نقش‌ونگارها را مانند هر درس علمی می‌آموزند و باید که بیاموزند. اگر دیدیم که طرحهای «اسلیمی» و گلهای «شاه‌عباسی» یا «بوته جقه»ها... (که می‌توان آنها را «نقشهای کلاسیک ایران» نامید) با نقش‌ونگارهای روستایی کشور تفاوت دارد حیرت نکنیم. هرچند که این تفاوت به اندازه تفاوت یک خانه‌ی شهری با کلبه روستایی باشد. می‌توان در کنار این تفاوتها یگانگی بنیاد آنها را باز شناخت.

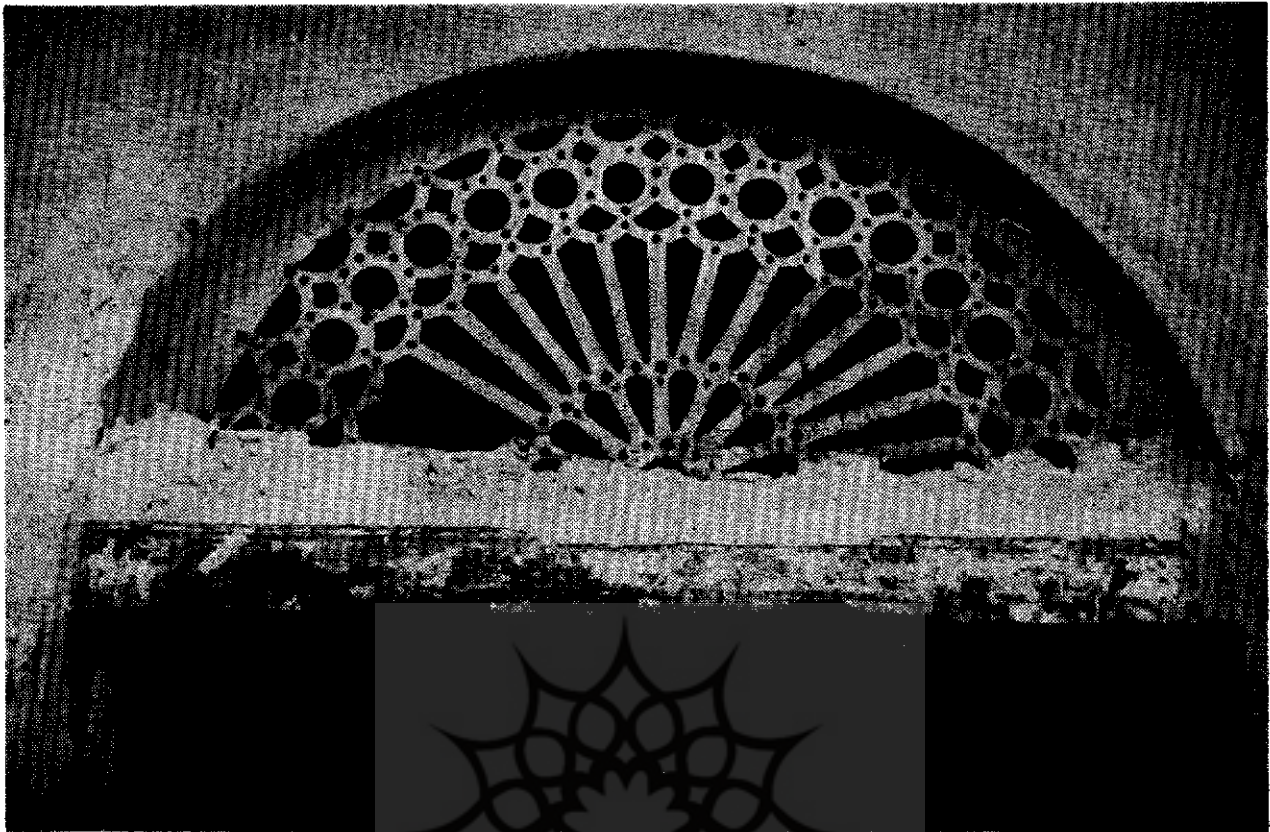
با این همه بهتر است نخست روشن شود که چرا هنرهای زیبای کشور نقش‌ونگارهای ایران را شایسته گردآوری و بررسی می‌داند. از سالها پیش احساس شده بود که بدون گردآوری همه نقش‌ونگارهای ملی، بررسی هنرهای تصویری کشور ما و شناسایی چگونگی پیشرفت این هنرها ممکن نمی‌شود. بعد هم در اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه آن احساس نیرو گرفت و آشکار شد که گردآوری این نقش‌ونگارها نه تنها برای شناسایی هنر ایران لازم است بلکه می‌تواند یکی از بهترین پایه‌های بررسی مردم‌شناسی باشد. زیرا که مردم روستا در بخشی از نقش‌ونگارها به آن چیز که مورد تقدیس یا تنفرشان بود چشم دوختند و در بخشی دیگر به آنها پرداختند که در زندگی گذرا



کوبه‌ها و گل‌میخ‌های یک در، از دهکده «مه‌آباد» «اردستان»

نمای در و پنجره مشبک چوبی ایوان جنوبی «امامزاده عبدالله» در دهکده «سار» کاشان





پنجره‌های مشبك گچی در «امامزاده شاهزاده هادی» پسر زین العابدین .
دهكده «بيدگئل» كاشان

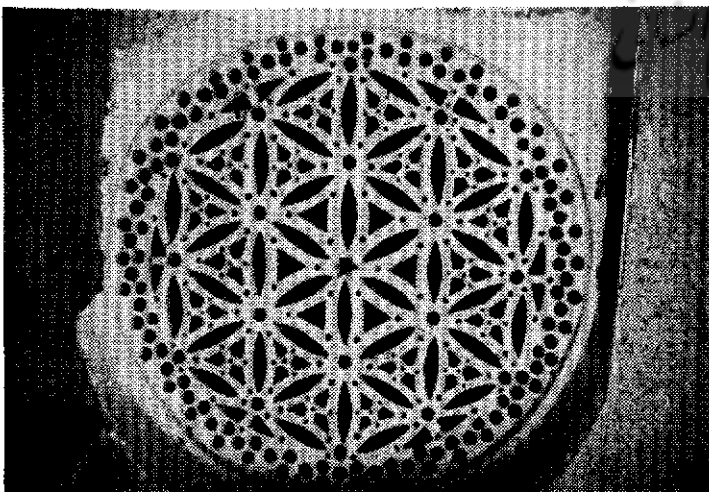
وادبيات ما فراوان است . بزرگترين بهره اين گردآوری و بررسی آنست که گنجینه‌ای خواهد شد برای هنر کشور ما و مرجعی برای هنرمندان و کسانی که در اندیشه نوآوری هستند و آنان که در کارهایی چون تزئین ساختمان ، پوشاك ، فرش ، ... به فرنگ و آسوی دریاها چشم دوخته‌اند . آنان شایسته است بدانند که در کورده‌ها و بیابانهای همین کشور چه ذوقها و سلیقه‌های بی‌نام و نشانی هست و یاد آورند سعدی بزرگوار را که فرمود :

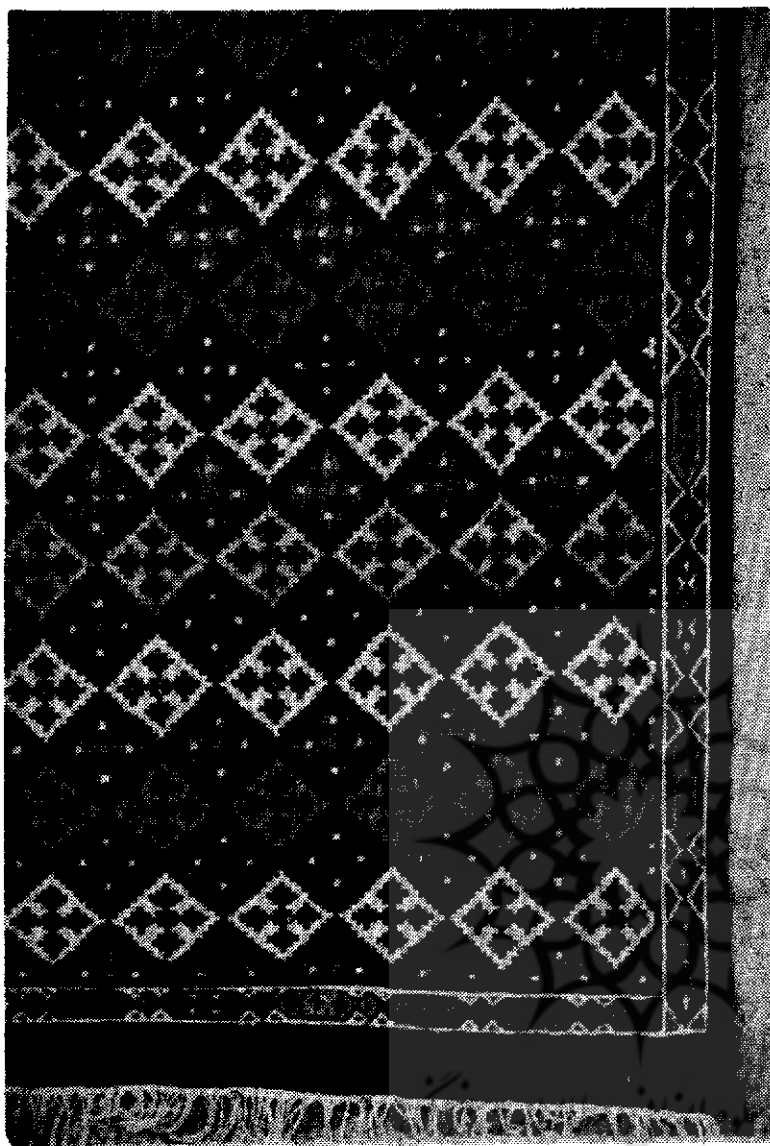
كهن جامه خویش پیراستن

به از جامه عاریت خواستن

روی خوش این سخن با هنرجویان «دانشکده هنرهای تزئینی» هنرهای زیبای کشور است تاد رکاری که پیش گرفته‌اند، بیشتر و هر چه بیشتر به هنرهای ملی روی آورند و در شناسایی این هنرها پی‌گیرتر باشند .

این قلم ناتوان است به بیان آن بهره‌ها که در کار این بررسی می‌توان شمرد و آگاه به ناتوانی خویش ؛ اما شکلیا و چشم براه آن زمان که با کوشش «هنرهای زیبای کشور» در «اداره کل موزه‌ها و فرهنگ عامه» گنجینه نقش و نگارهای ملی ایران تابناک شود .

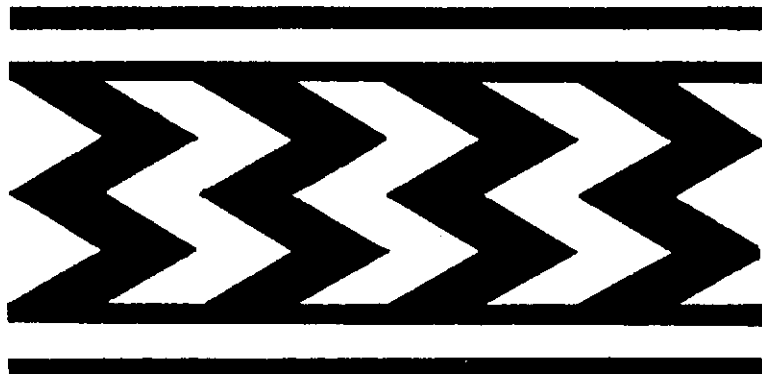


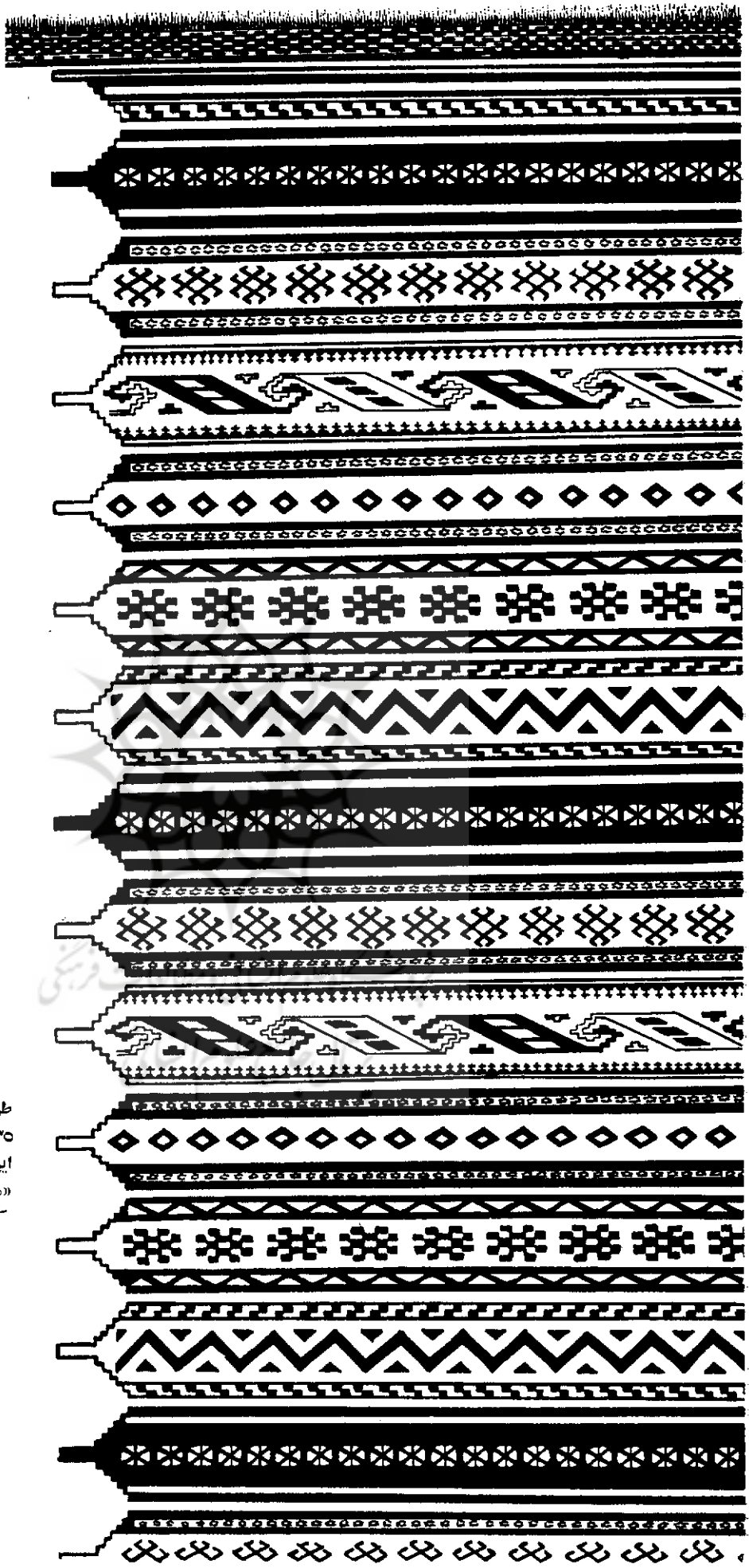


نصیریک چهارم گلیم بافته شده در دهکده «دولت آباد» ۴ فرسخی شمال «دلیجان» در ازای گلیم ۳۱۵ سانتیمتر و پهنای ۱۴۵ سانتیمتر. نام نقش این گلیم در دولت آباد «تیره» است و به نقش حاشیه گلیم «قلمندون» میگویند نخهای پشمی این گلیم با مواد طبیعی رنگ شده است. از مردم همین ده (دولت آباد) نقش و نگارهای دیگری گردآوری شده است که با آن نقش و نگارهای گلیم و خورجینهایشان را آراسته‌اند

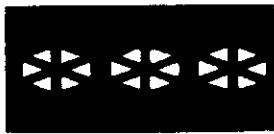
شیراز
موزه ملی ایران
موزه ملی ایران
موزه ملی ایران

نقشی برافسار شتر، از دهکده «عروسان» «خور»





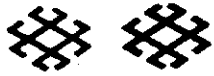
طرح يك چهارم گلیم . درازا
۲۳۵سانتیمتر، پهنا ۱۱۰سانتیمتر،
این گلیم در دهکده «گل چشمه»
«محلات» بوسیله دوزن دریک
کارگاه افنی بافته شده است



گل شاهی



چشم بلبلی



کن کن بیدک



چشم بلبلی

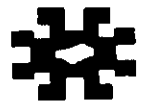


کیرمک

زیر کسمالی



سیمک یا پنج سگی



زیر کسمالی



ناختک



چشم بلبلی

نقش مار



خالتک



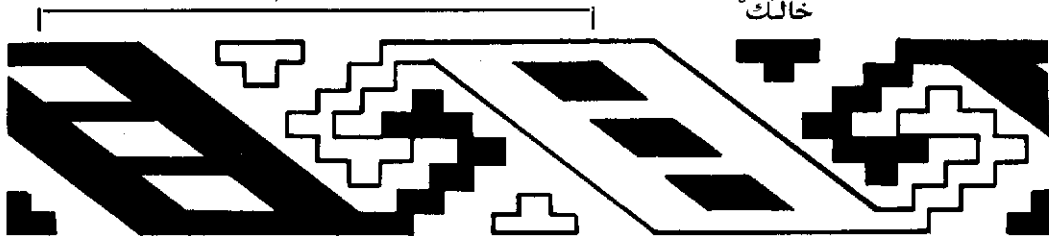
گنیل مهبادی



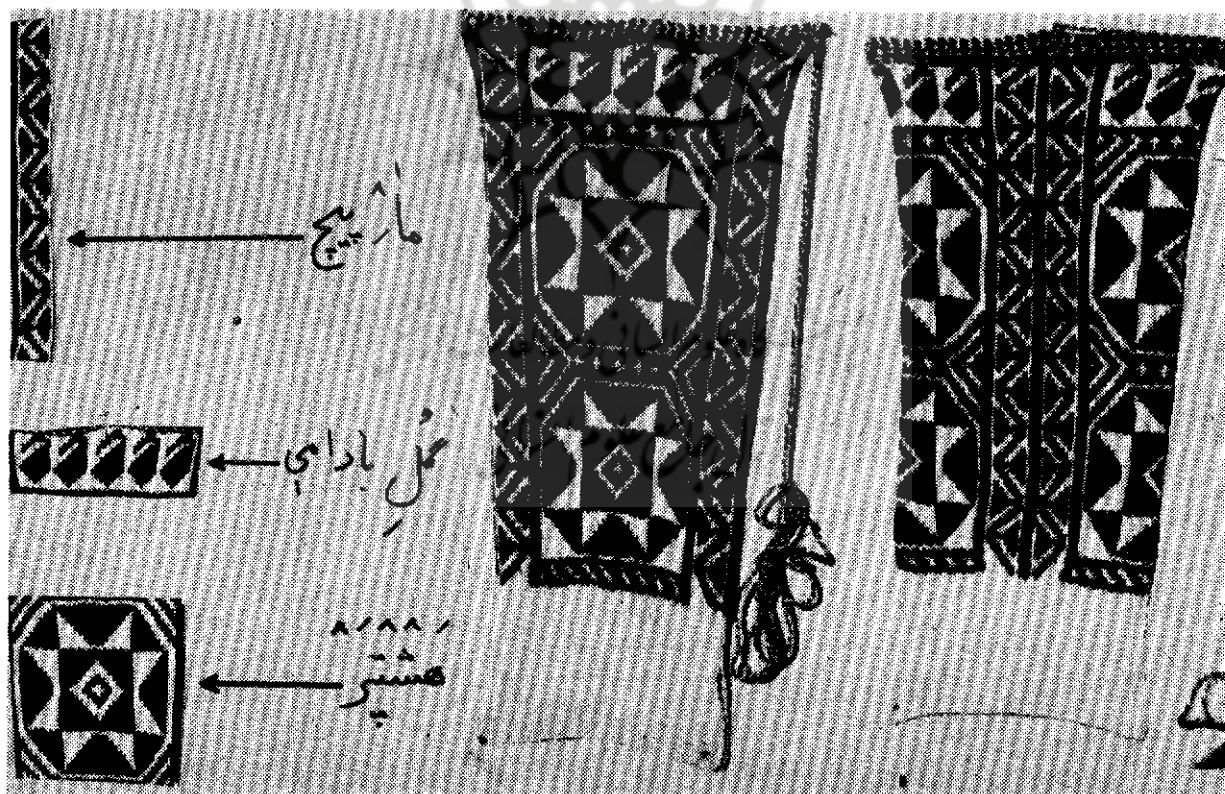
چشم بلبلی

شلام

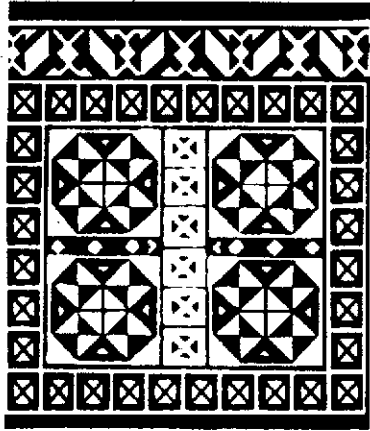
خالتک



طرح دقیق نقشهای گلیم
«گل چشمه» به ضمیمه
نامهای محلی هر نقش



تصویر يك «پاكش» از دهكده «عشرت آباد» و يك جوراب از «مترغچو». این دو آبادی از دهكده‌های «لای سیاه» نائین هستند چوبانان وقتی که دنبال گله می‌روند این نقش و نگارها را بانخی که ازبشم گوسفند فراهم شده با «میل جوراب بافی» می‌بافند



از دهکده «خاروان» «کنجان» در ۷ فرسخی «نائین» تصویری از یک جفت دستکش و یک کلاه و یک کیسه تونون

تصویر «نمد» از دهکده «مَنزوکش» کاشان بطول ۴۵ متر و عرض ۱٫۴۵ متر

